

در انتظار چه نشسته ای؟



در انتظار چه نشسته ای
زمان علف خرس نیست عزیزم
هر ثانیه حرام شده اش را
باید حساب پس بدهی
خواست نباشد
همین ساعت لکنته دیواری
به نیش عقربه های تیزش
اشتیاق مرا
به اجزای موریانه پسند تجزیه می کند
و چشم هایت را می برد
مانند دو تمبر باطل شده قدیمی
در البومی کپک زده بجسبانند

نگو کسی به فکر نیست
و نامت را دنیا از یاد برده است
شاید دنیا
تویی و من
و نام ما مهم نیست در جریده عالم
با حروف درشت چاپ شود
همین که جانانه بر لبی جاری شود
تا ابدیت خواهد رفت